

مدل حاکمیت نوین در اداره کلان‌شهرهای ایران

زهرا سرگزی^۱، فرج‌اله رهنورد^۲، حبیب‌اله طاهرپور^۳

چکیده

زمینه و هدف: هدف حاکمیت شهری تقویت فرآیند توسعه شهری است به گونه‌ای که محیطی مناسب برای زندگی راحت و کیفی شهروندان متناسب با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان فراهم شود. تحقیق حاضر با هدف ارائه مدلی برای حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران انجام شده است. **روش‌شناسی:** این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش شناختی از نوع توصیفی-پیمایشی است. نمونه آماری تحقیق شامل ۴۰ کلان‌شهر ایران بود و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته میان اعضای شورای هر یک از این شهرها جمع‌آوری گردید.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها نشان داد که متغیرهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، سرمایه اجتماعی، مدیریت دانش فضایی و جهانی شدن به صورت مستقیم بر حاکمیت خوب شهری تأثیر دارند، اما تأثیر «مطالبه‌گری شهروندان» بر حاکمیت خوب شهری تأیید نشد. همچنین نقش تعدیل‌گر فرهنگ مشارکت بین سرمایه اجتماعی و حاکمیت خوب شهری و نقش تعدیل‌گر تمایل مقامات محلی بین جهانی شدن ادراک شده و حاکمیت خوب شهری تأیید نشد، اما نقش تعدیل‌گر فرهنگ مشارکت بین مطالبه‌گری شهروندان و حاکمیت خوب و همچنین نقش تعدیل‌گر تمایل مقامات محلی بین توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و حاکمیت خوب شهری تأیید شد.

نتیجه‌گیری: حاکمیت خوب شهری یکی از مهم‌ترین راه‌های افزایش مشارکت گروه‌های ذینفع در حوزه مدیریت شهری است. این مهم را می‌توان از طریق ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی، تقویت سرمایه اجتماعی، مدیریت بهینه در عرصه فضایی و تطابق بیشتر شهرها با الزامات جهانی شدن در حوزه مدیریت شهری محقق نمود.

کلیدواژه‌ها: حاکمیت خوب شهری، سرمایه اجتماعی، جهانی شدن، مطالبه‌گری شهروندان، دانش فضایی

۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، قزوین، ایران.

۲. دانشیار گروه مدیریت دولتی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه مدیریت دولتی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۸/۰۱/۲۰

نویسنده مسئول مقاله: فرج‌اله رهنورد

E-mail: frahnavard@imps.ac.ir

مقدمه

به طور سنتی، در کشورهای در حال توسعه، دولت‌ها در شکل مراجع و شعب محلی حکومت مرکزی، مسئولیت اصلی مدیریت نواحی شهری را بر عهده داشتند. نقش آفرینان حاکمیت شهری در چنین وضعیتی بیشتر نمایندگان منتصب و در موارد اندکی منتخبان مردم بودند. به این ترتیب، قدرت مراجع محلی از سوی حکومت مرکزی تعیین می‌شد (کوربولو^۱، ۱۹۹۸). با سرعت گرفتن روند شهرنشینی و کاهش توجه به ظرفیت شهرها و وضعیت متغیرهای تأثیرگذار که به بروز مسائل و مشکلات فراگیر شهری مانند فقر، بیکاری، تورم، آلودگی محیط زیست، نابودی زیرساخت‌ها و غیره منجر شد، مراجع قدرت را بر آن داشت تا در برابر چالش‌های بزرگی که حیات شهری را در معرض تهدید قرار می‌داد به چاره‌جویی بپردازند. از این‌رو، مفهوم حاکمیت خوب شهری به عنوان دیدمانی جدید در مدیریت شهری معرفی شد که طی آن دولت، شهروندان و نهادهای خصوصی در یک جریان فرابخشی به مشارکت می‌پردازند (یو ان هبیتات^۲، ۲۰۱۶). توجه و تعمق در این موضوع، به یافتن ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی جهت ارائه خدمات عمومی بهتر کمک بسیاری خواهد کرد (یو ان دی پی^۳، ۱۹۹۷). با وجود اهمیت بسیار، نحوه مدیریت و اداره شهرهای کشور هنوز به صورت دولت‌داری و نه حاکمیت محلی به معنی مشارکت‌طلبی گروه‌های ذینفع شهری است که نشان می‌دهد که مسیر پژوهش‌ها باید به سمت شناسایی عوامل استقرار حاکمیت خوب شهری قرار گیرند.

هرچند تحقیقاتی در خصوص عوامل موثر بر حاکمیت شهری انجام شده است (مانند هاتر و شاه^۴، ۲۰۰۰؛ کلسی و کیرن^۵، ۲۰۱۵)، اما گستره این تحقیقات در حدی نیست که بتوان حکمی کلی صادر کرد. بی شک، شرایط اجتماعی-فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر کشوری، مدل ساختاری نسبتاً متفاوتی را در حاکمیت شهری طلب می‌نماید. علی‌رغم اهمیت مفهوم حاکمیت خوب شهری و لزوم تقویت آن در راستای اداره بهتر شهرها و ایجاد مکانیزم پاسخگویی و شفافیت در قبال گروه‌های مختلف ذینفع و مشارکت‌طلبی و ایجاد سرمایه اجتماعی بالا هنوز فهم دقیقی از این مفهوم و متغیرهای بنیادین موثر بر آن وجود ندارد. از

1. Corubolo
2. UN-HABITAT
3. UNDP
4. Huther & Shah
5. Kalsi & Kiran

این رو، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا عوامل موثر بر حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران شناسایی و روابط میان این عوامل در قالب یک مدل مفهومی تحلیل و بررسی گردد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در انتخاب پایه نظری مناسب خط‌مشی‌های تقویت حاکمیت شهری در مدیریت کلان‌شهرهای ایران کارساز باشد.

پیشینه نظری

مفهوم حاکمیت شهری

در مفهومی عام، حاکمیت توصیف‌گر اشکال جدید تصمیم‌گیری جمعی است که در فضاهای مختلف (مانند دولت، بازار و جامعه مدنی) صورت می‌گیرد. چنین حاکمیتی مبتنی بر شبکه‌های پیچیده‌ای از بازیگران به هم وابسته است که به بخش‌های دولتی، شبه‌دولتی، خصوصی، داوطلبانه و اجتماع محلی تعلق دارند. این اقدام به پیکربندی مجدد تعامل‌های بین دولت و جامعه مدنی می‌انجامد و مرز فعالیت بخش‌های دولتی و خصوصی را غیر شفاف می‌سازد (بوورد^۱، ۲۰۰۵). مجموعه متفاوت و جدیدی از روابط شکل می‌گیرد که در آن ماهیت مبادلات بیشتر بر مبنای هماهنگی و مذاکره به جای دستور، کنترل یا رقابت قابل توصیف هستند و به جای سلسله‌مراتب و بازار بر شبکه‌ها تمرکز می‌شود.

در سطح شهری، انگاره حاکمیت شهری به جای حکومت شهری سنتی، بر محیط سیاسی-اجتماعی پیچیده و چندپاره و الگوی منعطف و باز تصمیم‌گیری دلالت دارد (استوکر^۲، ۲۰۰۰). حاکمیت شهری را می‌توان به مثابه فرایندی تلقی کرد که برای تلفیق و هماهنگی منافع خصوصی و عمومی با نهادهای سیستم‌های مختلف ارزشی و هنجاری جهت‌گیری شده است (پیری^۳، ۱۹۹۹). امروزه، رویکرد هنجاری به حاکمیت شهری در قالب حاکمیت خوب^۴ مطرح شده است که سطوح مختلفی از جمله سطح شهری را پوشش می‌دهد. ارزش‌های بنیادین حاکمیت از یکپارچه‌سازی انگاره دموکراسی و حاکمیت قانون به دست می‌آیند. این ارزش‌ها به شرح جدول زیر هستند (ون دن دول و همکاران^۵، ۲۰۱۵).

1. Bovaird

2. Stoker

3. Pierre

4. Good Governance

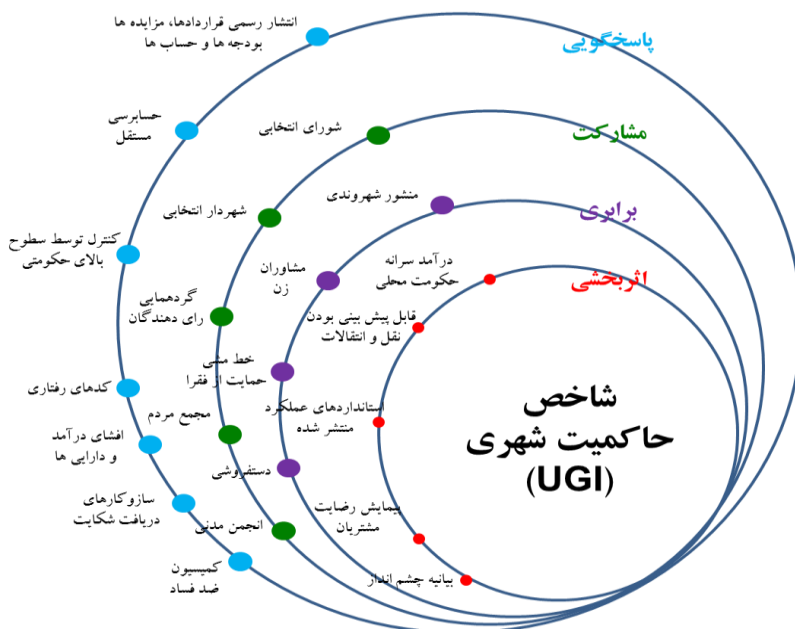
5. Van den Dool et al.

جدول ۱. ارزش‌های حاکمیت خوب

ملهم از	ارزش‌های درونداد	ارزش‌های برونداد	ارزش‌های سیستمی
دموکراسی	واکنش‌گری نمایندگی، مشارکت، دسترسی، باز بودن	اثربخشی: بهره‌ور بودن، کارایی، ارزش افزودن، حل مسئله	تاب‌آوری: ثبات پویا، خودتنظیمی، پایداری، تطبیق‌پذیری، پیوستگی
حاکمیت قانون	قابلیت اعتماد: قانونی بودن، صحیح بودن، قابل پیش‌بینی، سلامت و نزاکت، شفافیت و پاسخگویی، برابری حقوق	موازنه: موازنه و مقابله، نظارت و کنترل، بازبینی، قدرت برابر	

ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت خوب شهری

مدل‌های زیادی در خصوص ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت خوب شهری طراحی شده‌اند. مدل سازمان ملل (یو ان هبیتات، ۲۰۱۶) در سنجش حاکمیت خوب شهری بر شاخص‌های زیر تاکید دارد: (۱) اثربخشی؛ (۲) برابری؛ (۳) مشارکت؛ و (۴) پاسخگویی.



شکل ۱. ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت خوب شهری (یو ان هبیتات، ۲۰۱۶)

بر اساس شکل ۱ وضعیت حاکمیت خوب شهری را می‌توان بر اساس هر یک از ابعاد چهارگانه مورد سنجش قرار داد.

۱. اثربخشی: اثربخشی حکومت، وجود سازوکارها و محیط سیاسی-اجتماعی برای کارایی نهادی در برنامه‌ریزی و مدیریت مالی، ارائه خدمات و واکنش به نگرانی‌های جامعه مدنی را مورد سنجش قرار می‌دهد. درآمد سرانه حکومت محلی، قابل پیش‌بینی بودن نقل و انتقالات، استانداردهای عملکرد منتشر شده، پیمایش رضایت مشتریان و بیانیه چشم‌انداز، نمونه‌هایی از شاخص اثربخشی هستند.

۲. برابری: برابری بر شمولیت در دسترسی منصفانه شهروندان (زنان، بچه‌ها، افراد پیر، اقلیت‌های مذهبی یا فرهنگی و افراد ناتوان) به احتیاجات اساسی زندگی شهری (تغذیه، آموزش و پرورش، اشتغال و معاش، مراقبت‌های بهداشتی، پناهگاه‌ها، آب آشامیدنی سالم، بهداشت و غیره)، اولویت‌های نهادی در تمرکز بر خط‌مشی‌های فقرزدایی و برقراری سازوکاری برای واکنش به خدمات اساسی دلالت دارد. منشور شهروندی، مشاوران زن، خط‌مشی حمایت از فقرا و دست‌فروشی نمونه‌هایی از شاخص انصاف (برابری) می‌باشند.

۳. مشارکت: مشارکت در حاکمیت بر سازوکارهایی دلالت دارد که دموکراسی‌های نمایندگی محلی را از طریق شمولیت، انتخابات شهری آزاد و منصفانه ارتقا می‌دهد. مشارکت همچنین بر فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت‌جویانه فراگیر مبتنی بر سرمایه شهری دلالت دارد و جهت‌گیری اجماع و شهروندی وجود دارد. شورای انتخابی، شهردار انتخابی، گردهمایی رأی دهندگان، مجمع مردم و انجمن مدنی نمونه‌هایی از این شاخص هستند.

۴. پاسخگویی: بر سازوکارهای شفاف در وظایف عملیاتی دولت محلی، واکنش‌گری نسبت به سطوح بالای حکومتی، جمعیت محلی و شکایات شهری، شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن استانداردهای حرفه‌ای، حاکمیت قانون و خط‌مشی‌های عمومی دلالت دارد. نمونه‌هایی از این شاخص شامل موارد زیر است: انتشار رسمی قراردادهای، مزایده‌ها، بودجه‌ها و حساب‌ها، حسابرسی مستقل، کنترل توسط سطوح بالای حکومتی، کدهای رفتاری، افشای درآمد و دارایی‌ها، سازوکارهای دریافت شکایت و کمیسیون ضد فساد.

عوامل مؤثر بر حاکمیت شهری

استقرار حاکمیت خوب شهری در گروه عواملی است که در نقش جلوبرنده یا بازدارنده ظاهر می‌شوند. نتایج تحقیقات پنج عامل را به شرح جدول ۲ بر استقرار حاکمیت خوب شهری مؤثر می‌دانند.

جدول ۲. عوامل تأثیرگذار بر حاکمیت خوب شهری

ردیف	منبع	عوامل مؤثر
۱	مالونی و همکاران (۲۰۰۰)	تأثیر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب
۲	کرسل و فرای (۲۰۰۳)	تأثیر پذیری حاکمیت شهری از جهانی شدن
۳	البرلی (۲۰۰۳)	تأثیر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب
۴	سوکاموتو و ووگل (۲۰۰۴)	تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت خوب
۵	کانستلی و همکاران (۲۰۰۶)	تأثیر مطالبه‌گری شهروندان بر استقرار حاکمیت الکترونیکی
۷	استریب و ناوارو (۲۰۰۶)	درخواست شهروندان برای دولت الکترونیکی تعاملی
۸	اوزون (۲۰۰۷)	تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت شهری
۹	جانکاسکاس و سپوتینی (۲۰۰۷)	همبستگی سرمایه اجتماعی با حاکمیت
۱۰	ون کامپن و وون نائرسن (۲۰۰۸)	تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت شهری
۱۱	رلهان و همکاران (۲۰۱۲)	تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر حاکمیت شهری
۱۲	لمبارد (۲۰۱۲)	تأثیر پذیری مشارکت شهروندان در حاکمیت شهری از فرهنگ شهروندان
۱۳	مادزوا و همکاران (۲۰۱۳)	تأثیر دولت الکترونیک بر حاکمیت خوب
۱۴	ریتر (۲۰۱۳)	تأثیر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب
۱۵	پروکا و سانتگیباثر (۲۰۱۴)	تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر حاکمیت محلی
۱۶	پیروکس و همکاران (۲۰۱۴)، باد و همکاران (۲۰۱۴)	تأثیر مدیریت دانش فضایی بر حاکمیت شهری
۱۷	مس و همکاران (۲۰۱۵)	تأثیر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت
۱۸	یوان هییتات (۲۰۱۵)	تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر حاکمیت شهری
۱۹	رهنورد و یزدانشناسان (۱۳۹۴)	تأثیر دولت الکترونیک بر حاکمیت خوب
۲۰	ابراهیم پور و باهنر (۱۳۹۵)	تأثیر مطالبه‌گری مردم بر حاکمیت خوب

سرمایه اجتماعی

پاتنام (۲۰۰۰)، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و منافع متقابل آنان را تأمین می‌نماید (فرانسیس^۱، ۲۰۰۲). سرمایه اجتماعی بالا از الزامات حاکمیت خوب است؛ به گونه‌ای که با افزایش سرمایه اجتماعی و بالا رفتن اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی شهروندان، همکاری و تعامل دولت و مردم افزایش می‌یابد و تناسب اقتدار دولت و جامعه مدنی با تمرکززدایی از قدرت ایجاد خواهد شد. سرمایه اجتماعی به مشارکت فعال شهروندان در سیاست منجر شده و موجب ارتقای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود. حاکمیت خوب به گسترش سرمایه اجتماعی کمک می‌کند و از سوی دیگر سرمایه اجتماعی به تحکیم و تثبیت حاکمیت خوب می‌انجامد (ریتر، ۲۰۱۳).

فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)

حکومت الکترونیکی عبارت است از کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای ارائه اطلاعات و خدمات عمومی به گروه‌های هدف (فنگ^۲، ۲۰۰۲). دو اصطلاح حکومت الکترونیکی و حاکمیت الکترونیکی^۳ با هم متفاوت هستند. حکومت الکترونیک^۴ عبارت است از استفاده از ICT در اداره امور عمومی برای بهبود خدمات عمومی و فرایندهای دموکراتیک و تحکیم حمایت از شهروندان. در حالی که حاکمیت ICT مستلزم افزایش قابلیت‌های خط‌مشی‌گذاری از طریق مشارکت ذینفعان اجتماعی است؛ بنابراین، دیدگاه حاکمیت الکترونیکی عبارت است از استفاده از فناوری‌هایی که هم به حاکم و هم به مردم کمک می‌کند (دائوس^۵، ۲۰۰۸). حاکمیت الکترونیکی ناظر بر حاکمیت مبتنی بر تکنولوژی است. از طریق حاکمیت الکترونیکی خدمات عمومی به روشی کارآمد، شفاف و مناسب به شهروندان ارائه می‌شود. حکومت الکترونیکی، شهروندان را از مصرف‌کنندگان منفعل خدمات دولتی به بازیگران فعال تبدیل می‌کند که می‌توانند درباره نوع خدمات مورد نیاز خود اظهار نظر کنند. سه گروه هدف در مفهوم حاکمیتی عبارت‌اند از: حکومت محلی، شهروندان و گروه‌های

1. Francis

2. Fang

3. E-governance

4. E-government

5. Dawes

کسب و کار، طبق مدل سازمان ملل، توسعه حکومت الکترونیک دارای ابعاد سه‌گانه خدمات برخط، سرمایه انسانی و زیرساخت‌های مخابراتی است.

مدیریت دانش فضایی

دانش فضایی زمانی ایجاد می‌شود که دانش تخصصی، علوم فنی و اداری تکنولوژیکی مورد بحث قرار می‌گیرد. از دانش فضایی برای مقاومت کردن و توسعه استدلال‌های بی‌شمار استفاده می‌شود (ففر و همکاران^۱، ۲۰۱۱). دانش فضایی مشارکتی مفهوم اصلی در خصوص توسعه پایدار شهری است، زیرا نشان دهنده یک منبع استراتژیک است که در آن تمام ذینفعان می‌توانند در حاکمیت شهری شرکت کنند. این شامل دانش تخصصی و اشکال مختلف دانش غیر تخصصی است، از قبیل دانشی که از تجربه (ضمنی) به دست می‌آید، دانش مربوط به بخش‌های محیط زیستی و اقتصادی و دانش اجتماعی در سطح محله و سطح شهر (کوافی و همکاران^۲، ۲۰۰۳؛ ون اوویجک و همکاران^۳، ۲۰۰۹؛ بروکمر و همکاران^۴، ۲۰۰۸). در حاکمیت شهری با افزایش مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری، قدرت دانش تخصصی و غیرتخصصی نیز تغییر می‌کند (هاجر و همکاران^۵، ۲۰۰۳). در جامعه معاصر، جایی که «تصمیمات سخت» باید با شواهد «نرم» به سرعت اتخاذ شود، نقش دانش علمی متخصص در تصمیم‌گیری به چالش کشیده می‌شود. بی‌اعتمادی به علم و فراخوانی دانش محلی برای سیاست‌گذاری رو به افزایش است (فیچر^۶، ۲۰۰۳؛ اسکات و بارنت^۷، ۲۰۰۸). شهروندان از شکست علم و دانش تخصصی مورد استفاده دولت برای رسیدگی به مسائل زیست محیطی و اجتماعی آگاه شده‌اند (هاجر و همکاران، ۲۰۰۳).

جهانی شدن

از دیدگاه اقتصادی، جهانی شدن به عنوان ادغام اقتصاد ملی به اقتصاد بین‌المللی از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جریان سرمایه، و... تعریف می‌شود (کروکی

-
1. Pfeffer et al.
 2. Coaffee et al.
 3. Van Ewijk et al.
 4. Bruckmeier et al.
 5. Hager et al.
 6. Fischer
 7. Scott & Barnett

آنجلینی^۱، ۲۰۱۱). از دیدگاه اجتماعی، اوجی و اوزیوکو^۲ (۲۰۱۱) معتقدند جهانی شدن روند افزایش ارتباط متقابل میان جوامع است به طوری که وقایع در یک بخش از جهان بیشتر و بیشتر بر روی جوامع دور اثر می‌گذارد. کیم و باوک^۳ (۲۰۰۸) جهانی شدن را یک فرایند فناوری پیشرفته از تغییر به سوی افزایش ارتباط متقابل اطلاعاتی و ارتباطی و وابستگی متقابل کارکردی در میان مردم جوامع و ملت‌ها می‌دانند (رهنورد و محبی، ۱۳۹۵). در دهه‌های اخیر جهانی شدن به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ابعاد مختلف کشورهای نمود پیدا کرده است. هرچند در خصوص اثرات جهانی شدن بر حاکمیت شهری اتفاق نظر وجود ندارد، اما پژوهش تلاش دارند ابعاد مختلف آن را روشن کنند (اوزون، ۲۰۰۷).

مطالبه‌گری شهروندان

مطالبه‌گری شهروندان در آگاهی، حق اظهار نظر، مشارکت و آزادی آن‌ها تعریف می‌شود. دانایی و آگاهی شهروندان می‌تواند فساد را مهار کند. در واقع افزایش اقتدار جامعه مدنی، در کنار اطلاعات دقیق و قابل اعتماد، از ستون‌های اعتماد به شمار می‌رود. شفافیت یکی از مؤلفه‌های مهم افزایش اقتدار و حق اظهار نظر یا صدای مردم است. در واقع شفافیت به معنای اختیار دادن به شهروندان برای تبدیل شدن به میلیون‌ها حسابرس در جامعه و داشتن حق اظهار نظر و دسترسی به مطبوعات آزاد است (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱). آزادی‌های مدنی و آزادی مطبوعات و اطلاعات اطلاعات کافی را در اختیار مردم قرار می‌دهد و از طریق نشان دادن عملکرد حکومت و بیان مطالبات مردم، ارتباط دولت را با مردم تسهیل می‌کند. حاکمیت خوب نیازمند فرصت‌ها و شرایط مساعدی همچون اجماع نخبگان، اراده معطوف به توسعه در حکومت، جامعه توسعه‌خواه، انسجام ارزشی و فرهنگی جامعه، اجماع بر سر هدف‌های اصولی، شایسته‌سالاری بر پایه جذب نخبگان و صاحبان اندیشه است (ابراهیم‌پور و باهنر، ۱۳۹۵).

فرهنگ مشارکتی

حاکمیت فرایند نیل به اهداف همگانی از طریق تعامل دوجانبه و منظم حکومت و شهروندان است (سیق^۴، ۲۰۱۳). مشارکت شهروندان در فرایند حاکمیت به وجود فرهنگ شهری مناسب

1. Croci Angelini

2. Oji & Ozioko

3. Kim & Bhawuk

4. Sigh

بستگی دارد. جنکینز و همکاران^۱ (۲۰۰۹) فرهنگ مشارکتی را به شرح زیر تعریف کرده‌اند: فرهنگی است که در آن (۱) موانع اندکی برای درگیر شدن مدنی وجود دارد؛ (۲) از خلق و تسهیم ایده‌ها حمایت می‌شود؛ (۳) نوعی ارشادگری غیررسمی که در آن بیشتر افراد باتجربه دانش خود را به نوآموزان انتقال می‌دهند؛ (۴) افراد اعتقاد دارند نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ و (۵) افراد درجاتی از ارتباط اجتماعی را با یکدیگر حس کرده و به عقاید دیگران اهمیت می‌دهند. الگوی حاکمیت خوب شهری به عنوان فرآیند توسعه مشارکتی تعریف می‌شود که به موجب آن همه ذینفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌کند. مدیریت شهری از بالا به پایین نیست و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر جزء جدایی‌ناپذیر آن است (مک کارنی و همکاران^۲، ۱۹۹۵)؛ بنابراین، فرهنگ مشارکت زمینه‌ساز درگیر شدن گسترده شهروندان در حاکمیت خوب شهری است. در بیشتر پژوهش‌های انجام شده در ایران صرفاً به بیان مبانی تئوریک حاکمیت خوب و چارچوب‌ها و مدل‌های حاکمیت خوب پرداخته شده است. در شهرداری‌ها نیز تاکنون تحقیقی در رابطه با طراحی مدل حاکمیت خوب شهری در اداره امور شهری به عنوان الگویی یکپارچه مشاهده نشده است. در مدل مفهومی پژوهش، حاکمیت خوب شهری بر مبنای مدل سازمان ملل (یو ان هییتات، ۲۰۱۶)، تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت شهری بر مبنای مدل بالتودانو^۳ (۱۹۹۷)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب شهری بر مبنای مدل ریتر (۲۰۱۳)، تأثیر دولت الکترونیک بر حاکمیت خوب شهری بر مبنای مدل مادزوا و همکاران (۲۰۱۳)، تأثیر مطالبه‌گری شهروندان بر حاکمیت خوب شهری بر مبنای یافته‌های ابراهیم‌پور و باهنر (۱۳۹۵) و تأثیر مدیریت دانش فضایی بر حاکمیت خوب شهری بر مبنای مدل گیلانیانی و همکاران (۲۰۱۱) مطرح شده است. از طرفی برای بررسی روابط تعدیل‌گر نیز از یافته‌های تحقیقات (سپارنین و والوکونیتسه^۴، ۲۰۱۲) در تعدیل‌گری متغیر فرهنگ مشارکت و از یافته‌های تحقیقات (موخرچی و روی^۵، ۲۰۱۶) برای استفاده از نقش تعدیل‌گری متغیر تمایل مقالات محلی استفاده گردید.

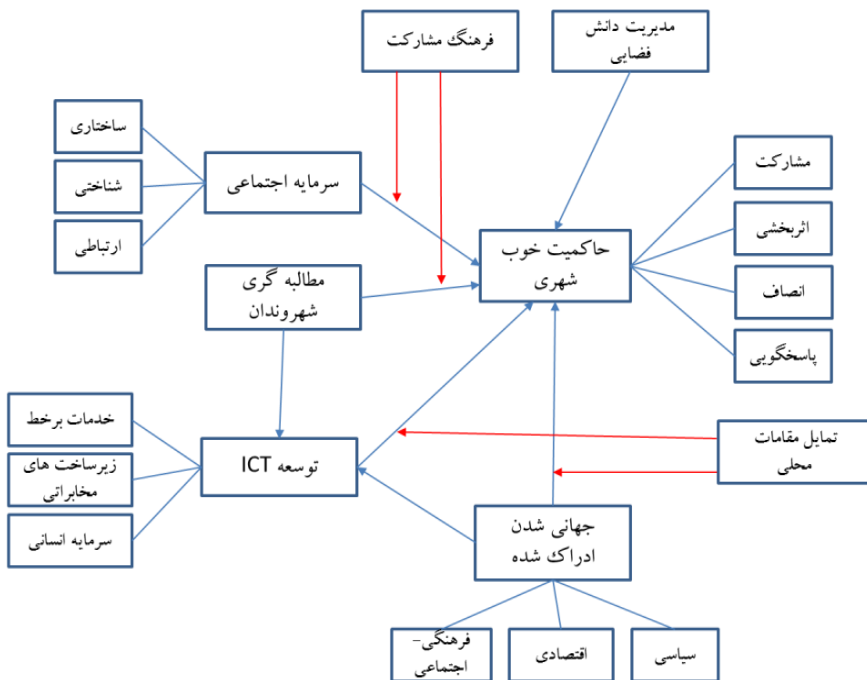
1. Jenkins, et al.

2. McCarney, et al.

3. Baltodano

4. Saparniene & Valukonyte

5. Mukherjee & Roy



شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق

با توجه به مدل مفهومی پژوهش، پرسش‌های کلیدی پژوهش به شرح زیر قابل طرح است: مدل مطلوب حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران کدام است؟ و حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران در چه سطحی است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است و از نظر شیوه تحلیل پدیده مورد بررسی، پژوهشی توصیفی-پیمایشی است. واحد تحلیل تحقیق حاضر شامل شهرهای ایران با بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت است. ۴۰ شهر به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب و پرسش‌نامه‌های محقق ساخته در هر شهر بین ۵ الی ۱۵ نفر از صاحب‌نظران و متخصصان آگاه به حاکمیت شهری از میان اعضای مطلع و با سابقه شورای هر شهر به روش نمونه‌گیری قضاوتی هدفمند توزیع گردید که جمعاً ۲۰۵ پرسش‌نامه برگشت داده شد. ویژگی‌های جمعیت شناختی شهرهای منتخب به شرح جدول زیر است:

جدول ۳. آمار جمعیت‌شناختی شهرستان‌ها

ردیف	استان	شهر	جمعیت ۱۳۹۵	قومیت فرهنگی	رتبه	عملکرد مصوب در سال ۱۳۹۷	
						درآمد	هزینه
۱	تهران	تهران	۸۶۹۳۷۰۶	مختلط	۱۲	۱۹۹۰۰۰۰۰	۰
۲	فارس	شیراز	۱۵۶۵۵۷۲	فارس	۱۲	۳۲۱۰۰۰۰۰	۳۰۱۰۰۰۰۰
۳	اصفهان	اصفهان	۱۹۶۱۲۶۰	فارس	۱۲	۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰
۴	قم	قم	۱۲۰۱۱۵۸	فارس	۱۱	۱۸۵۳۰۰۰۰	۱۸۵۲۹۹۹۹
۵	البرز	کرج	۱۷۷۳۶۶۶	مختلط	۱۱	۲۰۹۴۱۰۰۴	۲۰۹۴۱۰۰۴
۶	خراسان رضوی	مشهد	۳۰۰۱۱۸۴	فارس	۱۲	۲۹۹۰۰۰۰۰	۲۹۹۰۰۰۰۰
۷	خوزستان	اهواز	۱۱۸۴۷۸۸	مختلط	۱۱	۱۶۴۵۰۰۰۰	۱۶۴۵۰۰۰۰
۸	آذربایجان شرقی	تبریز	۱۵۵۸۶۹۳	ترک	۱۲	۲۲۸۴۲۰۰۰	۲۲۸۴۲۰۰۰
۹	کرمان	کرمان	۵۳۷۷۱۸	فارس	۱۱	۵۲۶۹۴۵۸	۵۰۲۳۸۳۶
۱۰	فارس	چهرم	۱۴۱۶۳۴	فارس	۹	۴۲۰۰۰۰	۴۲۰۰۰۰
۱۱	اردبیل	اردبیل	۵۲۹۳۷۴	ترک	۱۰	۵۱۶۴۰۰۰	۵۱۶۴۰۰۰
۱۲	اردبیل	مشکین شهر	۱۵۱۱۵۶	ترک	۶	۲۱۰۰۰۰	۲۱۰۰۰۰
۱۳	کهگیلویه و بویراحمد	یاسوج	۱۳۴۵۳۲	لر	۱۰	۱۱۹۶۵۷۵	۱۱۹۶۵۷۵
۱۴	خراسان جنوبی	بیرجند	۲۰۳۶۳۶	فارس	۹	۷۷۰۰۰۰	۷۷۰۰۰۰
۱۵	کرمان	بم	۱۲۷۳۹۶	فارس	۹	۸۵۲۰۰۰	۸۵۲۰۰۰
۱۶	هرمزگان	بندرعباس	۵۲۶۶۴۸	فارس	۱۰	۵۹۵۲۰۰۰	۵۹۵۲۰۰۰

ردیف	استان	شهر	جمعیت	قومیت	نوع و سطح	عملکرد مصوب در سال ۱۳۹۷
۱۷	ایلام	ایلام	۱۹۴۰۳۰	لر	۱۰	۸۱۱۷۰۰
۱۸	مرکزی	اراک	۵۲۰۹۴۴	فارس	۱۰	۴۹۵۵۰۰۰
۱۹	همدان	همدان	۵۵۴۴۰۶	فارس	۱۱	۶۴۶۳۷۵۲
۲۰	یزد	یزد	۵۲۹۶۷۳	فارس	۱۰	۶۶۰۶۷۲۰
۲۱	سیستان و بلوچستان	زاهدان	۵۸۷۷۳۰	بلوچ	۱۱	۲۶۰۰۰۰۰
۲۲	مازندران	ساری	۳۰۹۸۲۰	فارس	۱۰	۴۹۰۰۰۰۰
۲۳	آذربایجان غربی	ارومیه	۷۳۶۲۲۴	ترک	۱۱	۱۴۲۸۹۵۶۸
۲۴	همدان	ملایر	۱۷۰۲۳۷	فارس	۹	۷۰۰۰۰۰
۲۵	فارس	مرودشت	۱۴۸۸۵۸	فارس	۹	۶۰۰۰۰۰
۲۶	کردستان	سنندج	۴۱۲۷۶۷	کرد	۱۰	۱۳۵۰۰۰۰
۲۷	خوزستان	آبادان	۲۳۱۴۷۶	عرب	۱۱	۱۹۰۰۰۰۰
۲۸	خوزستان	بهبهان	۱۲۲۶۰۴	مختلط	۹	۴۷۰۰۰۰
۲۹	گیلان	بندر انزلی	۱۱۸۵۶۴	فارس	۹	۱۴۵۰۳۸۰
۳۰	کردستان	مریوان	۱۳۶۶۵۴	کرد	۷	۳۴۰۰۰۰
۳۱	کرمان	سیرجان	۱۹۹۷۰۴	فارس	۹	۱۰۷۷۰۰۰
۳۲	کرمان	رفسنجان	۱۶۱۹۰۹	فارس	۹	۱۸۰۶۳۷۰
۳۳	گلستان	گرجان	۳۵۰۶۷۶	فارس	۱۰	۲۵۰۰۰۰۰
۳۴	بوشهر	بوشهر	۲۲۳۵۰۴	فارس	۱۰	۱۸۵۰۰۰۰

ردیف	استان	شهر	جمعیت	قومیت	نرخ	عملکرد مصوب در سال ۱۳۹۷
۳۵	چهارمحال و بختیاری	شهرکرد	۱۹۰۴۴۱	لر	۱۰	۱۰۸۴۶۵۰
۳۶	کرمانشاه	کرمانشاه	۹۴۶۶۵۱	کرد	۱۱	۶۴۹۴۹۹۶
۳۷	سمنان	سمنان	۱۸۵۱۲۹	فارس	۱۰	۲۲۰۸۷۰۰
۳۸	قزوین	قزوین	۴۰۲۷۴۸	مختلط	۱۱	۵۴۵۵۰۰۰
۳۹	لرستان	خرم آباد	۳۷۳۴۱۶	لرز	۱۰	۱۹۸۱۴۳۰
۴۰	گیلان	رشت	۶۷۹۹۹۵	فارس	۱۱	۹۹۱۹۹۹۹

در این پژوهش برای سنجش پایایی پرسش نامه نیز از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی^۱ استفاده شده است (جدول ۴). همان‌طور که در این جدول مشخص است همه متغیرها از پایایی بالایی در مدل برخوردارند. پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ در مورد همه متغیرها بالاتر از ۰/۷ است که نشانگر پایایی قابل قبول است.

جدول ۴. آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی سازه‌های مدل

متغیر	نوع متغیر	ضریب آلفای کرونباخ (CR) (Alpha>0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR) (CR>0.7)
کاربرد ICT	مستقل	۰/۹۰۲۸۸۶	۰/۹۳۹۴۲۱
مطالبه‌گری شهروندان	مستقل	۰/۷۶۲۵۱۶	۰/۸۶۳۵۷۷
حاکمیت خوب شهری	وابسته	۰/۹۴۸۴۲۵	۰/۹۶۲۸۹۳
مدیریت دانش فضایی	مستقل	۰/۸۷۸۰۳۰	۰/۹۲۴۸۴۳
جهانی شدن ادراک شده	مستقل	۰/۸۷۶۵۸۲	۰/۹۲۴۸۸۲
سرمایه اجتماعی	مستقل	۰/۹۴۹۸۸۴۸	۰/۹۶۷۶۵۴

در ضمن، برای تعیین روایی محتوایی ابزار اندازه‌گیری، ابتدا پرسشنامه‌ها در اختیار اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مدیران ارشد شهرداری قرار گرفت و با استفاده از شاخص لاوشه

(۱۹۷۵) روایی پرسشنامه مطابق رابطه زیر تأیید شد که در آن CVR نسبت روایی محتوا، Ne تعداد ارزیابانی است که میزان موافقت خود را در خصوص مناسب بودن یک گویه خاص در مقیاس سه درجه‌ای (اساسی، سودمند و غیر ضروری) بیان و N کل تعداد ارزیابان است.

$$CVR = (Ne - N/2)/(N/2)$$

برای سنجش روایی محتوایی از ۱۴ ارزیاب استفاده شد و ۱۲ نفر گویه‌های پرسش‌نامه را اساسی یا سودمند ارزیابی کردند و مقدار نسبت روایی محتوا ۰/۷۵ به دست آمد.

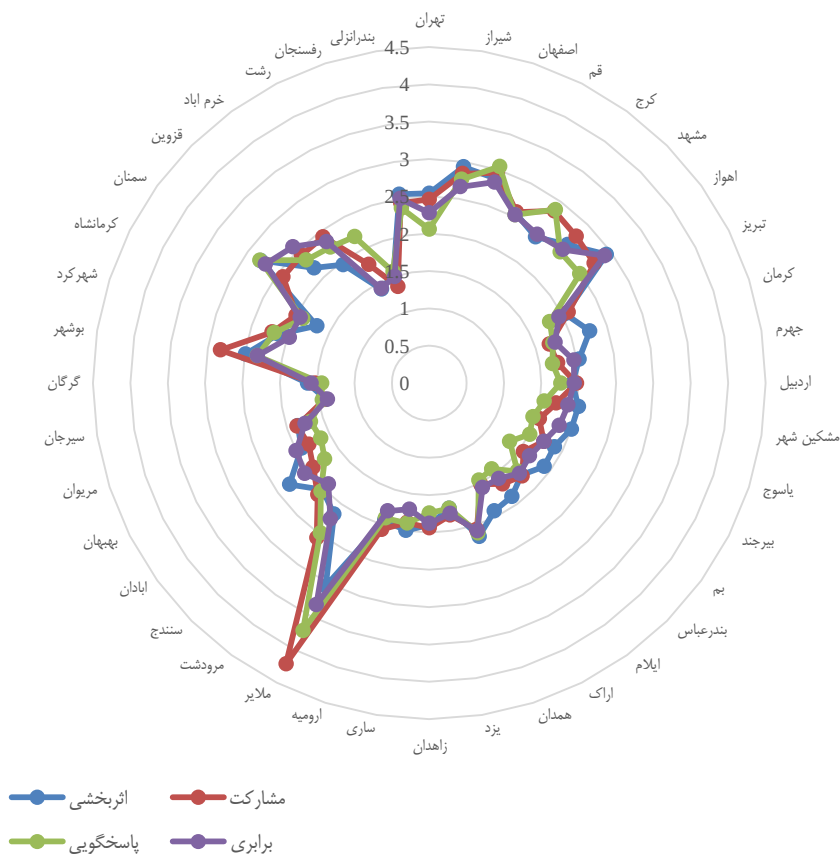
یافته‌های پژوهش

آمارهای توصیفی، ابعاد حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران را نشان می‌دهد که در مجموع، حاکمیت شهری در سطح مطلوبی نیست (جدول ۵).

جدول ۵. شاخص‌های آماری ابعاد حاکمیت خوب شهری

متغیر	تعداد	کرانه پایین	کرانه بالا	میانگین	انحراف معیار
پاسخگویی	۴۰	۱/۳۳	۳/۷۲	۲/۰۳	۰/۵۳
اثربخشی	۴۰	۱/۴۰	۳/۰۵	۲/۱۳	۰/۴۲
مشارکت	۴۰	۱/۳۶	۴/۲۲	۲/۱۳	۰/۵۶
برابری	۴۰	۱/۳۸	۳/۳۳	۲/۰۶	۰/۴۵

مقایسه شهرهای منتخب از نظر ابعاد حاکمیت خوب شهری نیز نشان می‌دهد که در مجموع تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین آن‌ها وجود ندارد (نمودار ۳). در بعد پاسخگویی بهترین عملکرد متعلق به دو شهرستان ملایر و اصفهان و بدترین عملکرد مربوط به شهرستان بزم و ایلام است. در بعد اثربخشی بهترین عملکرد مربوط به شهرستان ملایر و بدترین عملکرد مربوط به شهرستان میوان است. در بعد مشارکت بهترین عملکرد مربوط به شهرستان ملایر و بدترین عملکرد مربوط به شهرستان خرم‌آباد است. بالاخره، در بعد برابری بهترین عملکرد به شهرستان ملایر و بدترین عملکرد به شهرستان قزوین مربوط است.



شکل ۳. مقایسه حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران

برای پاسخ به این پرسش که حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران در چه سطحی است، فرضیه‌های آماری زیر قابل طرح است:

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 & \text{حاکمیت خوب شهری در سطح مطلوبی نیست.} \\ H_1: \mu > 3 & \text{حاکمیت خوب شهری در سطح مطلوبی است.} \end{cases}$$

نتایج آزمون فرضیه به کمک تی تک‌نمونه‌ای در جدول ۶ آمده است؛

جدول ۶. آزمون تک نمونه‌ای ابعاد حاکمیت خوب شهری

ارزش آزمون = ۳						
متغیر	t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					کرانه پایین	کرانه بالا
اثربخشی	-۱۳/۰۲	۳۹	۰/۰۰۰	۲/۱۳	-۱/۰۰۴	-۰/۷۳۴
مشارکت	-۹/۸۰	۳۹	۰/۰۰۰	۲/۱۳	-۱/۰۴۹	-۰/۶۹۰
پاسخگویی	-۱۱/۵۹	۳۹	۰/۰۰۰	۲/۰۳	-۱/۱۴۳	-۰/۸۰۴
برابری	-۱۳/۱۲	۳۹	۰/۰۰۰	۲/۰۶	-۱/۰۸۱	-۰/۷۹۳

با توجه به منفی بودن مقادیر t و سطح معناداری مشاهده شده برای ابعاد حاکمیت خوب شهری نمی‌توان فرضیه صفر (H_0) را در فاصله اطمینان ۰/۹۵ رد کرد. به سخن دیگر، ابعاد حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران در سطح مطلوبی نیستند.

ضریب R^2 : آزمون مدل در نرم‌افزار مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد تا چه حدی مدل مفهومی مورد ادعا به وسیله داده‌های تجربی برازش می‌شود. میزان ضریب تعیین نشان دهنده این است که چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته تحت تأثیر متغیر مستقل مربوطه بوده و مابقی تغییرات متغیر وابسته مربوط به سایر عوامل است. میزان برازش قابل قبول برای ضریب تعیین باید بیشتر از ۰/۳۰ باشد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که میزان R^2 برای متغیر وابسته تحقیق یعنی حاکمیت خوب شهری برابر با ۰/۹۷۶ است که نشان می‌دهد ۹۷ درصد از تغییرات حاکمیت خوب شهری تحت تأثیر متغیرهای مدیریت دانش فضایی، توسعه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، مطالبه‌گری شهروندان، سرمایه اجتماعی، جهانی شدن ادراک شده است و مابقی آن یا مربوط به سایر عوامل بوده و یا در نتیجه خطای مدل است.

معیار AVE: نشان دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است. به بیان ساده‌تر AVE میزان همبستگی یک سازه با نماگرهای خود را نشان می‌دهد که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. با توجه به نتایج، AVE همه سازه‌ها بالاتر از ۰/۵ است و در نتیجه روایی همگرایی مدل بالا و مناسب بودن برازش مدل‌های اندازه‌گیری تأیید می‌شود.

ضریب پایایی: برای سنجش پایایی مدل از پایایی ترکیبی^۱ و آلفای کرونباخ استفاده شد. همان‌طور که در این جدول مشخص است همه متغیرها از پایایی بالایی برخوردارند. پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ در مورد همه متغیرها بالاتر از ۰/۷ است. در نتیجه نتایج تحقیق حاضر در مورد این دو معیار برازش مناسب مدل را تأیید می‌کند.

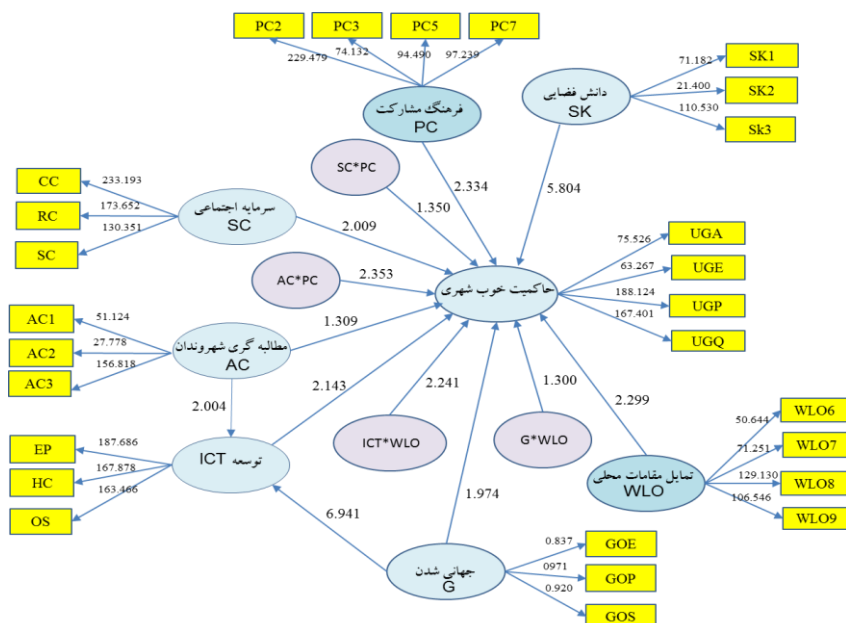
شاخص اشتراک و افزونگی: شاخص اشتراک (CV Com) توانایی مدل را در پیش‌بینی متغیرهای مشاهده‌پذیر از طریق مقادیر متغیرهای پنهان متناظرشان می‌سنجد. مقادیر مثبت شاخص CV Com نشان‌دهنده کیفیت مناسب مدل اندازه‌گیری انعکاسی است؛ بنابراین با توجه به شکل زیر مشخص است که مدل به درستی متغیرها را شناسایی کرده است. به شاخص افزونگی (CV Red)، شاخص کیفیت مدل ساختاری نیز گفته می‌شود. مقادیر بالای صفر نشان‌دهنده توانایی بالای مدل ساختاری در پیش‌بینی کردن روابط است (هنسلر و سارستد^۲، ۲۰۱۲)؛ بنابراین با توجه به شکل می‌توان ادعا کرد که روابط میان متغیرها در مدل معنادار است.

جدول ۷. میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) و آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی سازه‌های مدل

متغیر	AVE >0.5	ضریب آلفای کرونباخ (CR) (Alpha>0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR) (CR>0.7)	شاخص اشتراک (CV Com)	شاخص افزونگی (CV Red)
فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)	۰/۸۳۸	۰/۹۰۲	۰/۹۳۹	۰/۹۲۲	۰/۴۳۱
مطالبه‌گری شهروندان	۰/۶۷۹	۰/۷۶۲	۰/۸۶۳	۰/۷۴۰	۰/۷۴۰
حاکمیت خوب شهری	۰/۸۶۶	۰/۹۴۸	۰/۹۶۲	۰/۹۰۶	۰/۷۶۷
مدیریت دانش فضایی	۰/۸۰۴	۰/۸۷۸	۰/۹۲۴	۰/۸۳۹	۰/۸۳۹
جهانی شدن ادراک شده	۰/۸۰۴	۰/۸۷۶	۰/۹۲۴	۰/۸۴۶	۰/۸۴۶
سرمایه اجتماعی	۰/۹۰۸	۰/۹۴۹۸	۰/۹۶۷	۰/۸۸۲	۰/۸۸۲

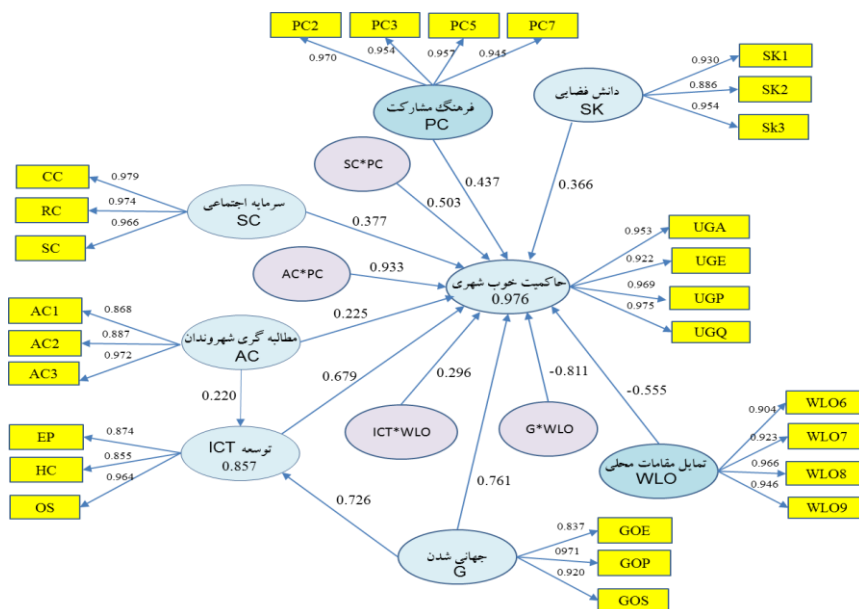
1. Composite Reliability
2. Henseler & Sarstedt

مدل با ضرایب مسیر؛ الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش PLS نشان می‌دهد که پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل کلی، می‌توان به بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخت. در این بخش ضرایب معنی‌داری Z و ضرایب استانداردشده مسیرهای مربوط به فرضیه‌ها بررسی می‌شود. ضرایب معناداری و ضرایب استانداردشده مسیرهای مربوط به فرضیه‌های مدل در شکل‌های ۴ و ۵ آمده است.



شکل ۴. مدل در حالت معناداری ضرایب

شکل ۴ مدل تحقیق را در حالت معناداری ضرایب (T-value) نشان می‌دهد. در حالت معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان بر اساس مقدار T در خصوص معناداری ضرایب مسیرها تصمیم‌گیری کرد و در صورتی که مقدار T بزرگ‌تر از $1/96 +$ و یا کوچک‌تر از $1/96 -$ باشد آن مسیر معنادار است و در غیر این صورت آن مسیر معنادار نیست. همچنین شکل ۵ ضرایب مسیرها در مدل تحقیق را در حالت استاندارد نشان می‌دهد. ضرایب مسیر میان متغیرها شدت هر رابطه را نشان می‌دهد.



شکل ۵. مدل در حالت ضرایب مسیر

بررسی نقش متغیرهای تعدیل‌کننده؛ همان‌طور که در شکل ۴ دیده می‌شود، مقدار t به‌دست‌آمده برای متغیر فرهنگ مشارکت (۲/۳۳۴) بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و متغیرهای تعاملی فرهنگ مشارکت* سرمایه اجتماعی (۱/۳۵۰) و فرهنگ مشارکت* مطالبه‌گری شهروندان (۲/۳۵۳) به ترتیب کوچک‌تر و بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است؛ بنابراین، در فاصله اطمینان ۹۵ درصد متغیر «فرهنگ مشارکت» در روابط بین متغیر وابسته (حاکمیت خوب شهری) و متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی) در نقش تعدیل‌کننده ظاهر نمی‌شود، اما این متغیر رابطه بین مطالبه‌گری شهروندان و حاکمیت خوب شهری را تعدیل می‌کند.

در ضمن، مقدار t به دست آمده برای متغیر تمایل مقامات محلی (۲/۲۹۹) بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و متغیرهای تعاملی تمایل مقامات* جهانی‌شدن (۱/۳۰) و تمایل مقامات* توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (۲/۲۴۱) به ترتیب کوچک‌تر و بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است؛ بنابراین، در فاصله اطمینان ۹۵ درصد متغیر «تمایل مقامات محلی» در روابط بین متغیر وابسته (حاکمیت خوب شهری) و متغیر مستقل (جهانی‌شدن) در نقش تعدیل‌کننده ظاهر نمی‌شود، اما این متغیر

رابطه بین توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و حاکمیت خوب شهری را تعدیل می‌کند. نتایج آزمون فرضیه‌ها؛ با توجه به ضرایب معناداری T-value و ضرایب مسیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان وضعیت فرضیه‌های تحقیق را طبق جدول ۸ مشخص کرد.

جدول ۸. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های پژوهش	مقدار T	ضریب مسیر	فرضیه
اول: توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر حاکمیت خوب شهری مؤثر است	۳/۲۸۵	۰/۱۳۱	تأیید
دوم: مطالبه‌گری شهروندان بر حاکمیت خوب شهری مؤثر است.	۲/۰۸۵	۰/۱۰۱	تأیید
سوم: سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب شهری مؤثر است.	۱۱/۱۱۱	۰/۶۳۹	تأیید
چهارم: مدیریت دانش فضایی بر حاکمیت خوب شهری مؤثر است	۳/۵۰۱	۰/۱۸۱	تأیید
پنجم: جهانی شدن ادراک شده بر حاکمیت خوب شهری مؤثر است.	۱/۳۳۹	۰/۱۰۲	رد
ششم: فرهنگ مشارکت شهروندان بین سرمایه اجتماعی و حاکمیت خوب شهری را تعدیل می‌کند.	۱/۳۵۰	۰/۵۰۳	رد
هفتم: فرهنگ مشارکت شهروندان رابطه بین مطالبه‌گری شهروندان و حاکمیت خوب شهری را تعدیل می‌کند.	۲/۳۵۳	۰/۹۳۳	تأیید
هشتم: تمایل مقامات محلی رابطه بین جهانی شدن ادراک شده و حاکمیت خوب شهری را تعدیل می‌کند.	۱/۳۰۰	-۰/۸۱۱	رد
نهم: تمایل مقامات محلی رابطه میان توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و حاکمیت خوب شهری را تعدیل می‌کند.	۲/۲۴۱	۰/۲۹۶	تأیید

هنگامی که مقادیر ضریب مسیر (t)، در بازه بیشتر از ۱/۹۶+ باشد بیانگر معنی‌دار بودن پارامتر مربوطه و نیز تایید فرضیه‌های تحقیق است (وینزی و همکاران، ۲۰۱۰). با توجه به مقدار ضریب معنی‌داری به دست آمده برای مسیرهای بین متغیرها فرضیه پنجم، ششم و هشتم مدل تایید نشد. به طور مثال، مقدار ضریب معنی‌داری فرضیه اول تحقیق ۳/۲۸۵ به دست آمد که نشان می‌دهد که توسعه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات به طور مستقیم بر حاکمیت خوب شهری تأثیر دارد. با توجه به این استدلال، فرضیه‌های دوم، سوم، چهارم، هفتم و نهم نیز مورد تأیید قرار می‌گیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی اثرات مجموعه‌ای از عوامل شامل سرمایه اجتماعی، میزان مشارکت‌طلبی شهروندان، توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، مدیریت دانش فضایی شهر و جهانی شدن ادراک شده در حوزه شهرها بر حاکمیت خوب شهری انجام شد. در این راستا پس از بررسی ادبیات موضوع و تدوین مدل مفهومی، روش‌شناسی پژوهش انتخاب و پس از جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز و تحلیل داده‌ها از طریق مدل معادلات ساختاری، روابط میان متغیرها و نقش‌های مختلف آن‌ها بررسی گردید.

تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران، فاصله قابل توجهی با وضعیت آرمانی آن دارد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، جهانی شدن، سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش فضایی بر استقرار حاکمیت خوب شهری موثر هستند. متغیرهای فرهنگ مشارکت و تمایل مقامات محلی به ترتیب روابط بین توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و مطالبه‌گری شهروندان با حاکمیت خوب شهری را تعدیل می‌کنند. تأثیر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت خوب شهری با مطالعات مالونی و همکاران (۲۰۰۰)، البرلی (۲۰۰۳)؛ جانکاسکاس و سپوتینی (۲۰۰۷)؛ ریتز (۲۰۱۳)؛ مس و همکاران (۲۰۱۵)، تأثیر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات با مطالعه دئوس (۲۰۰۸)؛ رلهان و همکاران (۲۰۱۲)؛ ماززوا و همکاران (۲۰۱۳)؛ پروکا و سانتگبائر (۲۰۱۴)، یو ان هیئات (۲۰۱۵)؛ رهنورد و یزدان‌شناسان (۱۳۹۴)، تأثیر جهانی شدن ادراک شده بر حاکمیت خوب شهری با یافته‌های کرسل و فرای (۲۰۰۳)؛ سوکاموتو و ووگل (۲۰۰۴)؛ اوزون (۲۰۰۷)؛ ون کامپن و وون نائرسن (۲۰۰۸) و تأثیر مدیریت دانش فضایی بر حاکمیت خوب شهری با مطالعات پیروکس و همکاران (۲۰۱۴)؛ باد و همکاران (۲۰۱۴) همراستا است. همچنین، تأثیر مطالبه‌گری شهروندان بر حاکمیت خوب شهری با نتایج مطالعات کانستلی و همکاران (۲۰۰۶) و ابراهیم پور و باهنر (۱۳۹۵) مطابقت نداشت. دلیل عمده این تناقض به مباحث قانونی گسترده - عدم حمایت نهادهای قانونی و قضایی از مطالبه‌گری مستقیم مردم از دولت و سازمان متولی مدیریت شهری - و کارکرد ضعیف رسانه‌ها و نهادهای اجتماعی بر می‌گردد. همچنین نتایج متغیر تعدیل‌گر فرهنگ مشارکت با مطالعات ساپارنین و والوکونیتیه (۲۰۱۲) و متغیر تعدیل‌گر تمایل مقامات محلی با مطالعات موخری و روی (۲۰۱۶) همراستا بود.

در این پژوهش مدلی جدید برای حاکمیت خوب شهری معرفی شد و بستر مناسبی را برای حفظ و پویایی شاخص‌های حاکمیت خوب شهری فراهم می‌آورد. این مدل در مقایسه با

مدل‌های سنتی دولت‌داری، رویکردی مشارکتی‌محور، با نگاه به سرمایه اجتماعی و مبتنی بر مطالبه‌گری شهروندان دارد. در نتیجه، این مدل انتخاب بهترین اهداف و راهبردها، ظرفیت‌سازی و ارتقا توانمندی‌های جامعه مدنی و اقدام مؤثر در جهت تحقق حاکمیت خوب شهری را تعیین و تدوین می‌کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، موارد زیر برای استقرار حاکمیت خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران پیشنهاد می‌شود: ۱) گسترش کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در مدیریت شهری؛ ۲) ارتقای سرمایه اجتماعی؛ ۳) انجام تمهیدات لازم برای تعمیق فرهنگ مشارکت شهروندان در اداره امور شهری؛ ۴) توجه جدی به مدیریت دانش فضایی؛ ۵) کمک به اصلاح و افزایش تمایل مقامات محلی برای استقرار حاکمیت خوب شهری. هرچند مدل احصا شده ۹۷ درصد از تغییرپذیری در حاکمیت خوب شهری را بر مبنای متغیرهای مستقل مانند جهانی شدن، سرمایه اجتماعی، مدیریت دانش فضایی و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات تبیین می‌کند، اما توصیه می‌شود پژوهشگران بر مبنای تحقیقات کیفی، دیگر عوامل احتمالی مؤثر بر حاکمیت خوب شهری را شناسایی کنند. همچنین، پژوهشگران می‌توانند در پژوهش‌های آتی خود از شاخص‌های مدل پژوهش حاضر در طبقه‌بندی کلان‌شهرهای ایران از لحاظ کیفیت حاکمیت خوب شهری استفاده کنند.

با توجه شرایط حاکمیتی کلان‌شهرها در مقایسه با شهرهای کوچک و متوسط باید در تعمیم نتایج این پژوهش به کلیه شهرها جانب احتیاط را رعایت نمود. استفاده از ابزار پرسشنامه و محدودیت‌های ذاتی آن و دشواری دسترسی مناسب به اعضای شورای شهر از دیگر محدودیت‌های این پژوهش بود.

منابع

- ابراهیم پور، حبیب و باهنر، فاطمه (۱۳۹۵). نقش مطالبه‌گری مردم در تحقق حکمرانی خوب، دومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت در هزاره سوم.
- رهنورد، فرج اله و یزدانشناسان، نرجس (۱۳۹۴). تأثیر دولت الکترونیک بر حاکمیت خوب در پرتو درجه توسعه یافتگی کشورها، فصلنامه مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۳ (۲): ۴۵-۶۵.
- زاهدی، شمس السادات، ابراهیم پور، حبیب (۱۳۹۱). حکمرانی مبتنی بر پایداری، تهران: سمت.
- رهنورد، فرج اله، محبی دلگانی، مرضیه (۱۳۹۵). آثار جهانی شدن بر مدیریت دولتی در ایران، فصلنامه مدیریت دولتی، ۸ (۳): ۴۳۶-۴۱۵.

- Baltodano, A.P. (1997). The Study of Public Administration in Times of Global Interpenetration: A Historical Rationale for a Theoretical Model, *Journal of Public Administration Research and Theory*, 7(4): 615-638.
- Baud, I, Scott, D., Pfeffer, K., Sydenstricker-Netro, J., and Denis, E. (2014). Digital and Spatial Knowledge Management in Urban Governance: Emerging Issues in India, Brazil, South Africa, and Peru, *Habitat International*, 44: 501-509.
- Bovaird, T. (2005). Public governance: balancing stakeholder power in a network society, *International Review of Administrative Sciences*, 71: 217-228.
- Bruckmeier, K. and Tovey, H. (2008). Knowledge in Sustainable Rural Development: from Forms of Knowledge to Knowledge Processes, *Sociologia Ruralis*, 48 (3): 313-329.
- Coaffee, J. and Healey, P. (2003). My Voice: My Place: Tracking Transformations in Urban Governance, *Urban Studies*, 40(10): 1979-1999.
- Corubolo, E (1998). *Urban Management and Social Justice*, Development Planning Unit, University College London.
- Croci Angelini, E. (2011). Globalization and public administration: a complex relationship. *International Journal of Public Administration*, 34(1-2): 4-12.
- Dawes, S. S. (2008). The Evolution and Continuing Challenges of E-Governance. *Public Administration Review*, 68: 86-102.
- Eberle, S.D, (2003). Social capital and Good Governance: The Impact of Society on Government Performance, MA Thesis, University of Konstanz.
- Fang, Z. 2002. E-Government in Digital Era: Concept, Practice, and Development, Thailand.
- Fischer, F. (2003). Beyond Empiricism: Policy Analysis as Deliberative Practice, In Hajer, M. and Wagenaar, H. (Eds.), *Deliberative Policy Analysis: Understanding Governance in the Network Society*, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 209-227.
- Fornell, C. G., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18(1): 39-50.
- Francis, F. (2002). Social Capital and Development, *SAIS Review*, 22(1): 23-37.
- Gilaninia, S., Ganjinia, H., Babaei, Z., & Mousavian, S. J. (2011). Dimensions of Knowledge Management on Good Urban Governance (Case Study: Municipality of Rasht City, Iran), *Journal of Management and Strategy*, 3 (2): 91-101.
- Hair, J.F., Hult, G.T.M., Ringle, C.M., and Sarstedt, M. (2014). A Primer on Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM), Los Angeles: Sage.
- Hajer, M. and Wagenaar, H. (eds.) (2003) *Deliberative Policy Analysis: Understanding Governance in the Network Society*. Cambridge University Press, Cambridge.

- Henseler, J., and Sarstedt, M. (2012). Goodness-of-fit indices for partial least squares path modeling, *Computational Statistics*, 28(2):565–580.
- Huther, J. and Shah, A. (2000). Anti-Corruption Policies and Programs: A Framework for Evaluation. Policy Research Working Paper, No. 2501. World Bank, Washington, DC. © World Bank.
- Jankauskas, V., & Šeputienė, J. (2007). The Relation between Social Capital, Governance and Economic Performance in Europe, *Verslas: Thorija IR Praktika*, 8(3): 131-138.
- Jenkins, H., Purushotma, R., Weigel, M., Clinton, K., and Robison, A.J. (2009). Confronting the Challenges of Participatory Culture: Media Education for the 21st Century, London: MacArthur.
- Kalsi, Nirmaljeet Singh and Kiran, Ravi (2015). "A strategic framework for good governance through e-governance optimization". *Electronic library and information systems*, Vol.49, No.2, pp: 170-204.
- Kim, Y. Y., & Bhawuk, D. P. (2008). Globalization and diversity: Contributions from intercultural research. *International Journal of Intercultural Relations*, 32(4): 301-304.
- Kresl, P.K. and Fry E.H. (2003). The Urban Response to Internationalization, EE.
- Kunstelj, M., Jukić, T., & Vintar, M. (2006). Analysing the Demand Side of e-Government: What Can We Learn from Slovenian Users? *International Conference on Electronic Government*, 305-311.
- Lombard, M. (2012). Citizen Participation in Urban Governance in the Context of Democratization: Evidence from Low-Income Neighbourhoods in Mexico, *International Journal of Urban and Regional Research*, 37 (1): 135-150.
- Maas, L.T., Sirojuzilam, Erlina, Badaruddin (2015). The Effect of Social Capital on Governance and Sustainable Livelihood of Coastal City Community Medan, 2nd Global Conference on Business and Social Science, 17-18 September 2015, Bali, Indonesia.
- Madzova, V., Sajnoski, K., & Davcey, L. (2013). E-Government as an Efficient Tool towards Good Governance: Trends and Comparative Analysis throughout Worldwide Regions and within West Balkan Countries, *Balkan Social Science Review*, 1: 157-174.
- Maloney, W., Smith, G., & Stoker, G. (2000). Social Capital and Urban Governance: Adding a more Contextualized “Top-down” Perspective, *Political Studies*, 48: 802-820.
- Martin, D. (2017). Cultural value and urban governance: A place for Melbourne’s music community at the policymaking table, *Perfect Beat*, 18(2):110-130.
- McCarney, P.; Halfani, M. and Rodríguez, A. (1995). Towards an Understanding of Governance, the emergency of an idea and its implications for urban research in developing countries. University of Toronto.

- Mukherjee, M., & Roy, S. (2016). Application of ICT in Good Governance. *International Journal of Advanced Research in Computer Science and Software Engineering*, 6 (3): 276-279.
- Nahapiet, J., Ghoshal, S. (1998), "Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage", *Academy of Management Review*, 23 (2): 242-66.
- Oji, A. E., & Ozioko, M. V. C. (2011). Effect of Globalization on Sovereignty of States. *Nnamdi Azikiwe University Journal of International Law and Jurisprudence*, 2: 256-270.
- Perucca, F. & Sonntagbauer, P. (2014). E-Governance and Urban Policy Design in Developing Countries, Fupol Project and UN-Habitat.
- Peyroux, E., Scott, D., Baud, I. (2014). Spatial Knowledge Management and Participatory Governance: Rethinking the Trajectories of Urban, Socio-economic and Environmental Change and the Politics of 'Sustainability' in Southern Cities, Research Report, Chance Sustain.
- Pfeffer, K., Baud, I., Denis, E., Scott, D., Sydenstricker-Neto, J. (2011). Spatial Knowledge Management Tools in Urban Development.
- Pierre, J. (1999). Models of Urban Governance: The Institutional Dimension of Urban Politics, *Urban Affairs Review*, 34(3):372-396.
- Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, Simon & Schuster, New York.
- Relhan, G., Lonkova, K., & Huque, R. (2012). Good Urban Governance through ICT: Issues, Analysis, and Strategies, Africa Urban & Water Sector Unit, the World Bank.
- Ritter, T. (2013). Social Capital as a determinant for Good Governance: An empirical analysis of the 27 EU Member States, EGPA Annual Conference Edinburgh Scotland, UK.
- Saparniene, Diana & Valukonyte, Ingrida (2012). Implementation of Good Governance Principles in Local Self Government: The Case of Siauliai City, *Social Research*, Nomor, 3 (28), 98-112.
- Sigh, S. (2013). Citizens' Participation in Urban Governance: Quest for Transparency and Accountability, *Environment and Urbanization ASIA*, 4(1): 191-202.
- Streib, G., & Navarro, I. (2006). Citizen Demand for Interactive E-Government: The Case of Georgia Consumer Services, Andrew Young School of Policy Studies, Georgia State University.
- Scott, D. and Barnett, C. (2008). Something in the Air: Science, environment, and contentious urban politics in post-apartheid South Africa, *Geoforum*, Special Issue on the Politics of Science, 40: 373-382.
- Stoker, G (2000). Public private partnerships and urban governance', in Pierre, J (ed) *Partnerships in Urban Governance: European and American Experience*, Macmillan, Basingstoke, pp34-51.

- Tsukamoto, T., and Vogel, R.K. (2004). Globalization and Urban Governance: A Comparative Analysis of Decentralization in World Cities, City Futures Conference, University of Illinois at Chicago, July 8-10.
- UN-Habitat (2015). ICT, Urban Governance & Youth, Global Youth-led Development Report Series No. 04, United Nations Human Settlements Programme.
- UN- Habitat (2016). Campaign on urban governance. Campaign on urban governance, available at: www.unhabitat.org.
- UNDP (1997). Governance for sustainable human development, United Nations press.
- Uzun, C.N. (2007). Globalization and urban governance in Istanbul, *J Housing Built Environ*, 22:127–138.
- Van den Dool, L., Gianoli, A., Hendriks, F., and Schaap, L. (2015). *The Quest for Good Urban Governance: Theoretical Reflections and International Practices*, Springer Fachmedien Wiesbaden.
- Van Ewijk, E. and Baud, I. (2009). Partnerships between Dutch municipalities and municipalities in countries of migration to the Netherlands; knowledge exchange and mutuality, *Habitat International*, 33, pp. 218-226.
- Van Kampen, M., & Van Naerssen, T. (2008). Globalization and Urban Governance in Two Asian Cities: Pune (India) and Cebu (The Philippines), *European Planning Studies*, 16:7: 941-954.

